

بررسی آرای پژوهشگران در خصوص عوامل پیدایش جریان قرآنیون اهل سنت معاصر باتکیه بر شبه قاره هند

صمد مومنی^۱ تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۰۲

محمد مهدی تقدیسی^۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۱۴

سیده فاطمه حسینی میرصفی^۳

چکیده

موضوع پژوهش حاضر، بررسی آرای جریان شناسان در خصوص عوامل پیدایش جریان قرآنیون در دو سده اخیر است. این پژوهش، نظری و با رویکرد توصیفی - تحلیلی است. هدف از این پژوهش، آگاهی از آرا و اندیشه‌های پژوهشگران به منظور کشف مهمترین عوامل پیدایش قرآنیون است. مراد از عوامل پیدایش، عوامل زمینه‌ای چون استعمار، استشراق و مواجهه تمدنی؛ و عوامل انگیزه‌ای؛ چون رهایی از سلطه استعمار، پاسخ به شبهات و برون رفت از انحطاط تمدنی است. پرسش بنیادی این پژوهش آن است که چه عواملی در پیدایش قرآنیون اهل سنت معاصر در دو سده اخیر تاثیر گذار بوده اند؟ آیا این عوامل از خارج از جهان اسلام به آن تحمیل شده است یا اینکه عواملی درونی موجبات پیدایش این جریان را ایجاد کرده اند؟ از یافته‌های این پژوهش آن است که عوامل موثر به دو دسته قابل تفکیک اند؛ عوامل زمینه‌ای که خارج از جهان اسلام به آن تحمیل شده و عوامل انگیزه‌ای که متأثر از عوامل زمینه‌ای هستند. **کلیدواژه‌ها:** جریان شناسی، قرآنیون، عوامل زمینه‌ای، عوامل انگیزه‌ای، استعمار، استشراق.

۱. دانشجوی دکترای علوم قرآن و حدیث، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

sm9128488031@chmail.ir

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

mm.taqhdisi@yahoo.com

۳. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

.mirsafy@yahoo.com

مقدمه و بیان مسئله

در صدر اسلام و پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) قرآن‌بسندگان^۱ با استناد به برخی اسناد قابل خدشه، به ممنوعیت تدوین و نقل حدیث حکم کردند و سنت پیامبر (ص) را حجت ندانستند، اما علی رغم خاستگاه قدرتمند جریان قرآن‌بسندگان صدر اول اسلام، این جریان حاکم نگردید؛ بلکه در طول سده‌ها، اعتبار حدیث مورد توجه و منبع معتبری برای فقه، تفسیر و علوم اسلامی قلمداد شد. با این همه در دو قرن گذشته، نو قرآن‌بسندگان (قرآنیون) این اعتبار را خدشه دار و در نتیجه آنها را وانهاده و از اعتبار ساقط کردند. درحالی که مخالفان آنها با استناد به برخی آیات به ضرورت حجیت سنت و اعتبار حدیث اصرار ورزیدند.

از آنجا که جریان‌ها در خلاء متولد نمی شوند؛ بلکه عوامل متعددی در پیدایش آنها دخالت دارند، شناسایی و تحلیل این عوامل، نیازمند بررسی دیدگاه‌های کارشناسان و پژوهشگران است. جریان قرآنیون اهل سنت معاصر نیز از این قاعده مستثنی نبوده و بدون شک، تحت تاثیر عواملی که ما آن را عوامل زمینه‌ای و عوامل انگیزه‌ای می‌نامیم، به وجود آمده‌اند. هرچند می‌توان رد پای از جریان قرآنیون در صدر اسلام به نام قرآن‌بستگی که بعد از رحلت پیامبر اکرم (ص) به وجود آمدند، مشاهده کرد و بین این جریان و جریان قرآن‌بستگی مشابهت‌هایی یافت، اما این جریان به گونه‌ای به وجود آمده است که خود به مثابه یک جریان نوپدید دینی شناسنامه، تاریخ و مکان تولد جدیدی دارد.

۱. در سده‌های نخست هجری دو جریان عمده مخالف حدیث قابل شناسایی است: نخست، مخالفان با حدیث به عنوان حجت شرعی در کنار قرآن و دوم، مخالفان با برخی احادیث که با قرآن یا دیگر احادیث تعارض دارند یا مضمون آنها باعث وهن دین تلقی می‌شود. البته وجه اشتراک این دو، آن است که حجیت حدیث در فقه و کلام را به چالش کشیده (آقایی، ۱۳۸۹ش) و قرآن را تنها منبع قابل اعتماد شمرده و فقط به آن بسنده کرده و احادیث را به کناری وانهادند.

اهداف و پرسش

هدف اصلی این پژوهش، آگاهی، کشف و تبیین عوامل تاثیرگذار در پیدایش جریان قرآنیون اهل سنت معاصر با تکیه بر شبه قاره هند به عنوان خاستگاه اصلی این جریان و با استفاده از یافته‌ها و آرای پژوهشگران است. اندیشمندان شیعی و البته بیشتر اهل سنت در کتاب‌ها و مقالات خود به این عوامل پرداخته‌اند.

بنابراین پرسش اصلی این پژوهش عبارت است از اینکه: عوامل اصلی پیدایش جریان قرآنیون اهل سنت معاصر چیست؟

سؤالات فرعی پژوهش عبارتند از:

- ۱- آیا جریان‌ها خود به خود و بدون عوامل ایجاد پدید می‌آیند؟
- ۲- این عوامل چند دسته‌اند و چگونه عمل می‌کنند؟
- ۳- کدام یک تاثیرگذار و کدامیک تاثیرپذیرند؟
- ۴- آیا این عوامل در طول هم هستند یا قابل جمع نیستند؟

پیشینه تحقیق

کتاب‌ها و مقالات فراوانی درباره قرآنیون، آرا و مبانی آنها نگارش شده است، اما هیچ یک از آنها به جز مقاله «واکاوی تاثیر قدرت سیاسی هندوستان بر اندیشه سید احمدخان هندی با تاکید بر نظریه دانش قدرت میشل فوکو» مستقلاً به عوامل ایجاد این جریان نپرداخته‌اند که البته آن هم بر اساس دیدگاهی خاص است. اما منابع غیر مستقلی هستند که تنها به یکی از عوامل زمینه‌ای اشاره کرده است.

۱. کتاب «القرآنیون العرب و موقفهم من التفسیر؛ دراسه نقدیه»، نوشته جمال بن محمد بن احمد الهاجر؛ این کتاب در صدد تبیین موضع گیری قرآنیون نسبت به تفسیر قرآن کریم است. نویسنده بیان می‌دارد که فرقه‌های مختلف و منحرف در تفسیر قرآن، موضع گیری‌های مختلفی دارند، اما نسبت به موضع گیری قرآنیون در تفسیر که اعتبار سنت و حدیث را انکار می‌کنند، آنها را به جنایت متهم می‌کند. او مهمترین عوامل پیدایش این جریان را در پنج عامل جهل، رسانه‌های جدید چون اینترنت، شهرت طلبی، تاثیر مکاتب عقلی جدید و استشراق، برمی‌شمارد.

۲. «العصرانیون بین مزاعم التجدید و میادین التغریب»، تالیف محمد حامد الناصر؛ نویسنده در پی پیدایش مکاتب عقلی جدید در دوران مدرن یا تجدد به پیشینه مدارس عقلی در عالم اسلام از

معتزله شروع و تا عصر حاضر به مدارس جدید عقلی می‌پردازد. در ضمن این مباحث به مدرسه عقلی که سید احمد خان هندی با تاثیرپذیری از استعمار و استشراق پایه گذاری کرد، پرداخته است و طایفه قرآنیون را متأثر از اندیشه مدرنیته و تجدد خواهی می‌شمارد.

۳. «القرآنیون و شبهاتهم حول السنه» تالیف خادم حسین الهی بخش؛ این کتاب که مستقلاً درباره قرآنیون نوشته شده است، تنها کتاب مستقل در این موضوع است. بیشتر محققین بیش از هر کتاب دیگری به این کتاب مراجعه و ارجاع داده‌اند. نویسنده در صدد نقد مبانی و آرای قرآنیون معاصر است، اما پیش از شروع به نقد و بررسی آرای و مبانی ایشان، پیشینه، اسباب پیدایش و شخصیت‌های مهم این جریان را نام برده و ضمن بیان خلاصه‌ای از زندگی نامه، به آرای ایشان نیز می‌پردازد. الهی بخش در بحث از اسباب پیدایش، به دو مسئله استعمار و به دنبال آن استشراق پرداخته است.

۴. «القرآنیون فی مصر و موقف الاسلام منهم؛ اقوی رد علی منکری السنه»، تالیف عبدالرحمن محمد یوسف النجدی؛ نویسنده در دو باب و هر باب چهار فصل، کتاب خود را سامان داده است. در باب اول چهار فصل تاریخ قرآنیون، عوامل پیدایش، شبهات، بنیان‌گذاران، داعیان و پستوانه‌های قرآنیون در مصر پرداخته است و در باب دوم، طی چهار فصل به انواع شبهات درباره عقاید اسلامی، شریعت اسلامی، اخلاق و آثار قرآنیون می‌پردازد. در فصل اول باب اول، اسباب پیدایش را در سه مبحث استشراق، استعمار و مدرسه عقلی مدرن تبیین می‌کند.

۵. «الاستشراق و موقفه من السنه النبویه»، تالیف فالح بن محمد الصغیر؛ این کتاب همانطور که از نامش پیداست علاوه بر مفهوم، تاریخ و انگیزه‌های استشراق به شبهات استشراق درباره سنت نبوی و نیز رابطه استشراق با مذاهب و فرقه‌های جدید از جمله قرآنیون می‌پردازد.

۶. «تفسیر و مفسران در هند»، تالیف سید محمد علی نقوی؛ نویسنده که خود اهل شبه قاره است، پس از تعریف تفسیر، آغاز و منشأ تفسیر و نیز نقش ائمه علیهم السلام در تدوین تفسیر به دوره‌های مختلف تفسیر در شبه قاره پرداخته و پس از بیان مفسران دوره اول به مفسران دوره گورکانیان می‌پردازد. او در بخش سوم سیداحمد خان هندی را سرسلسله مفسران دوران جدید که بنیان‌گذار قرآنیون است، معرفی کرده و به ویژگی‌های تفسیری او می‌پردازد و نهایتاً در بخش چهارم به تفاسیر

جریان‌های مذهبی؛ چون تفاسیر فرقه دیوبندیه، اهل حدیث و جریان بریلوی و عرفانی پرداخته است. نویسنده سید احمد خان را متأثر از اندیشه نوین سکولار غرب معرفی کرده و با خوش بینی او را دلبسته حکومت بریتانیا می‌شمارد.

۷. «الفرق والمذاهب الاسلامیه منذ البدايات؛ النشاء، التاريخ، العقیده، التوزيع الجغرافی»،

تالیف سعد رستم؛ نویسنده کتاب را با ظهور اسلام در شبه جزیره عربستان شروع و سپس به فرقه ها، نحله‌ها و مذاهب کلامی و فقهی از صدر اسلام تا عصر پرداخته و در آخرین مرحله و به عنوان جمعیت اهل القرآن به اصحاب فهم عصری قرآن؛ چون سید احمد خان هندی می‌پردازد. رستم ضمن اشاره به بستر اجتماعی و سیاسی و اقتصادی شبه قاره و تعهدی که سید احمد خان به حکومت استعماری بریتانیا دارد، از تاثیر پذیری او از تمدن جدید غرب (مدرنیته) پرده برمی‌دارد و عامل پیدایش جریان قرآنیون را در استعمار و مواجهه تمدنی می‌داند.

۸. «اثرالاستشراق علی المنهج العقدي الاسلامی بالهند» تالیف سعید احمد بن صغیر احمد

هندی العمری؛ نویسنده بنحو کاملی از تاثیر استشراق بر تمامی فرق و مذاهب در شبه قاره سخن رانده است. نویسنده نه تنها تاثیر استشراق را در مذاهب و فرق؛ بلکه در بخش بخش عقاید و احکام بیان کرده و نقش استشراق در تفرقه جامعه مسلمانان شبه قاره را با جزئیات بیان داشته است و در انتها به تناسب به نقش آن در پیدایش جریان قرآنیون، تاثیر آن بر آرای تفسیری، فقهی و کلامی این جریان نو ظهور پرداخته است.

۹. «زوايع فی وجه السنه؛ قديما و حديثا»، تالیف صلاح الدین مقبول احمد؛ نویسنده که به دنبال

تثبیت اعتبار سنت و حدیث است، انکار سنت را فتنه نامیده و برای شناساندن این فتنه، به نقش سلطه استعمار بریتانیا بر شبه قاره اهمیت فوق العاده‌ای داده است و بیان می‌دارد که چگونه استعمار بریتانیا به تغییرات مورد نظر خویش از اعتقادی و مذهبی در شبه قاره پرداخته و چه کسانی مجذوب و مرعوب این جریان شدند. شروع این فتنه را در عصر جدید با سید احمد خان و پیروان او پی می‌گیرد و در انتها به اندیشمندان می‌پردازد که با هدف اعتبار بخشی به سنت و حدیث آثار فراوانی را در مرکز ابوالکلام آزاد تولید کرده‌اند.

۱۰. «القرآنون فی دائره الضوء و ادله حجیه السنه»، تالیف سید احمد جمعه حسن سلام؛ نویسنده در فصل اول به منزلت و جایگاه سنت در تشریع می‌پردازد و در فصل دوم منکرین سنت و حدیث را تحت ضربات شدید خود قرار داده و منشأ پیدایش ایشان را استعمار بریتانیا بر می‌شمارد و اذعان می‌کند که پس از پیدایش این بدعت در شبه قاره در عراق، مصر، لیبی، اندونزی، مالزی و دیگر کشورهای اسلامی منتشر می‌شود.

۱۱. مقاله «واکاوی تأثیر قدرت سیاسی هندوستان بر اندیشه سید احمد خان هندی با تأکید بر نظریه دانش-قدرت میشل فوکو»، نوشته پیمان زنگنه؛ این مقاله بر اساس اندیشه میشل فوکو که اندیشه‌ها و تحولات اجتماعی متأثر از قدرت سیاسی حاکم است، به سلطه بریتانیای کبیر در پوشش کمپانی هند شرقی اشاره می‌کند. سلطه نظامی بریتانیای کبیر بر شبه قاره در نهایت به استعمار انجامید. به دنبال سیطره و استعمار سیداحمد خان، با دنیای غرب آشنا و برای او مواجهه تمدنی به وجود آمد و در نهایت در پاسخ به این مسئله که علت عقب ماندگی مسلمانان نسبت به غرب چیست، به دنبال اصلاح گری بر آمد و همه علت را در حجیت سنت و اعتبار حدیث دانست. و بدین ترتیب او برون رفت از این انحطاط تمدنی را انحصار مرجعیت و منبعیت قرآن دانست. وجه تمایز پژوهش حاضر با سایر پژوهش‌هایی که به برخی از آنها اشاره شد، در این است که تاکنون هیچ پژوهشی به صورت متمرکز و مستقل نپرداخته و بین عوامل مختلف زمینه‌ای و انگیزه‌ای تفکیک ایجاد نکرده است. در این پژوهش تلاش شده است تا عوامل زمینه‌ای پیدایش، برجسته و عوامل انگیزه‌ای باز شناخته شود.

مفاهیم

۱. جریان‌شناسی

جریان‌ها، پدیده‌هایی اجتماعی با صبغه‌های دینی، سیاسی و غیره هستند. بی‌شک پدیده‌های اجتماعی با پدیده‌های طبیعی متفاوتند. بنابراین، علومی که شناخت این پدیده‌ها را بر عهده دارند نیز با هم متفاوتند. علوم طبیعی عهده دار شناخت پدیده‌های طبیعی و علوم اجتماعی عهده دار شناخت پدیده‌های اجتماعی‌اند. علوم طبیعی به دنبال شناخت علت‌ها و علوم اجتماعی به دنبال شناخت عوامل است. علت موجب ایجاد

معلول و تنها راه شناخت آن مشاهده و تجربه است اما عوامل (زمینه‌ای و انگیزه‌ای) علت ایجاد نیستند؛ بلکه شرط و مشروط حساب می‌شوند. از آنجا که علل در علوم طبیعی کاربرد دارد، بحث از علل زمینه‌ای و علل انگیزه‌ای معنا ندارد؛ چون در تحقق معلول زمینه‌ها و انگیزه‌ها دخالتی ندارند؛ بلکه این قوانین طبیعی است که بدون دخالت انسان و اجتماع تحقق می‌یابد. اما عوامل چه در بخش زمینه‌ای و چه در بخش انگیزه‌ای در حوزه پدیده‌های اجتماعی کاربرد داشته و به زمینه‌ها و انگیزه‌های اجتماعی و انسانی برمی‌گردد. نکته اینکه عوامل زمینه‌ای، چون شرط عمل می‌کنند که اگر نبودند عوامل انگیزه‌ای ظهور نداشتند؛ به عبارت دیگر، عوامل زمینه‌ای، شرط و عوامل انگیزه‌ای، مشروطند.

جریان‌های اجتماعی تصادفی و اتفاقی پدید نمی‌آیند؛ بلکه مبتنی بر زمینه‌ها و انگیزه‌هایی در درون ساخت جامعه هستند. در جامعه‌شناسی جریان‌ها برای شناخت و بررسی پیدایش جریان‌های اجتماعی، باید به سه حوزه به هم پیوسته توجه کرد:

۱. شناخت پیچیدگی‌ها، شکاف‌ها و تعارض‌های جامعه به عنوان نقطه عزیمت؛
۲. شناخت جریان‌ها، گروه‌ها و نیروهایی تکوین یافته بر اساس خطوط منشعب از شکاف‌ها و نیز زمینه‌های سیاسی - اجتماعی، تاریخی و مذهبی؛
۳. شیوه و نحوه تأثیرگذاری جریان‌ها و نیروهای اجتماعی بر جامعه و ابعاد مختلف زندگی شهروندان. (هزاوه‌ای، ۱۳۹۷ش)

۲. قرآنیون

قرآنیون نخبگانی تجدید نظر طلب و متعلق به یکی از لایه‌های فکری و اجتماعی فعال در سیر تحولات اجتماعی‌اند. تجدید نظر طلبان اگرچه در ابتدا در زمینه سازی یا ایجاد تحولات اجتماعی حضور دارند، اما به تدریج و در گذر زمان نسبت به ایدئولوژی، مبانی فکری و ارزش‌های اولیه خود تردید و در نهایت از آنها عدول می‌کنند و حتی ممکن است جریانات مخالف با آن را ایجاد یا همراهی کنند. (شرابی، ۱۹۲۷م، ص ۱۶-۱۷) این جریان از درون اهل سنت برخاسته و هویت ایشان را به چالش کشیده است. (بابایی، مکاتب تفسیری، ج ۲، ص ۱۲۷)

قرآنیون در اصل ادامه و جلوه افراطی اندیشه نص‌گرا در میان اهل حدیث است. (خاکپور، ۱۳۹۶ش) در واقع قرآنیون از درون اهل حدیث برخاسته - گرچه ظاهراً مخالفان سرسخت اهل حدیث بودند- و عملاً به همان اندیشه‌ای پایبند بودند که اهل حدیث بر آن تأکید داشتند و آن، انکار مرجعیت مدارس فقهی و عالمان

سرشناس آنها و بازگشت به اسلام اصیل بود. (آقای، فصلنامه معرفت کلامی، ۱۳۸۹ش، ص ۹۳)

ایشان، نخست به حجیت حدیث اعتقاد داشتند، اما در مواجهه با احادیثی که فهم آنها مشکل می نمود، در اندیشه جزمی اهل حدیث تردید کردند. پس می توان قرآنیون را محصول تناقض موجود میان اندیشه های اهل حدیث به شمار آورد (همان). تحولات اجتماعی قرون ۱۹ و ۲۰ اروپا و تاثیر غیرقابل باور آن بر تمامی جوامع و ملل، به خصوص کشورهای اسلامی، موهم تقابل سنت و مدرنیته شد. در مواجهه با این تقابل، گروهی به کلی آن را رد کرده و بر سنت اصرار ورزیدند، گروه دوم در بست آن را پذیرفته و سنت را نفی کردند، اما گروه سوم تلاش کردند تا با نگاه اصلاحی، نقاط حادثه خیز سنت را اصلاح کنند. این اصلاح، گاه با جراحی شدید و گاهی بخشی از آن نفی و رد می شد. این جریان در قرن سیزدهم به عنوان جریانی سازمان یافته در شبه قاره هند، مصر، سوریه، لیبی، سودان و سایر سرزمین های اسلامی سر برآورد.

پژوهشگران درباره سرچشمه این اندیشه و منطقه آغاز آن، همدستان نیستند. گروهی برآنند که این جریان در هند توسط سیداحمد خان هندی پدید آمد و از آنجا به مصر و سپس دیگر سرزمین های اسلامی سرایت کرد و دربرابر، کسانی مصر را زادگاه این اندیشه و برخی عراق را آبشخور آن معرفی می کنند. برخی از عالمان اهل سنت سرچشمه جریان را شبهات خوارج (یا به پندار آنها شیعه) و گروهی دیگر شبهات خاورشناسان می دانند (روشن ضمیر، ۱۳۹۰ش).

هم زمان با شروع این جریان از شبه قاره توسط سیداحمدخان هندی، ادبیات مخالفت و نقد این جریان توسط سیدجمال الدین اسدآبادی با نگارش رساله نیچریه (ظفرالله رندها، ۱۳۸۶ش) شروع و نگارش کتاب ها و مقالات فراوانی در دفاع از حجیت سنت و حدیث در آنجا (همو؛ اخوان مقدم، فصلنامه سفینه، شماره ۵۷) و کشورهای عربی (الهی بخش، ۱۴۲۱ق) ادامه یافت و تاکنون نیز ادامه دارد.

۳. عوامل زمینه ای (underlying factors)

مقصود ما از عوامل زمینه ای شرایط زمانی و مکانی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی هستند که بستر مناسبی را برای ایجاد یک جریان فراهم می سازند و بدون آنها قطعاً جریانی متولد نشده و اگر بشود معلول و ناقص خواهد بود و در کمترین زمان ممکن از بین خواهد رفت. نتیجه، به وجود آمدن عوامل زمینه ای چالش یا چالش هایی خواهد بود که جامعه را وادار به یافتن پاسخی برای این چالش ها خواهد کرد.

۴. عوامل انگیزه ای (motivational factors)

بحث از انگیزه در اصل به روانشناسی برمی گردد. روی باماستر^۱ یک جامعه شناس اجتماعی است که انگیزه را در خواستن خلاصه می کند (Baumeister، ۲۰۱۶). «جان مارشال ریو»^۲ معتقد است، انگیزه، شرایطی است که در درون ماست و خواهان تغییر است (Reeve، ۲۰۱۸). بر اساس این دو تعریف، مقصود ما از عوامل انگیزه‌ای آن دسته از عوامل و شرایطی است که در درون انسان است و او را وادار می کند تا برای چالش‌های به وجود آمده در اجتماع خود، پاسخی در خور بیابد.

عوامل زمینه‌ای به مجموعه شرایط موجود در یک جامعه گفته می شود که در به وجود آمدن پدیده‌های اجتماعی موثرند. مثلاً بحرانهای اقتصادی چون فقر، اختلاس، دزدی، تورم و... موجب اعتراضات و نارضایتی‌های اجتماعی می شود.

و عوامل انگیزه‌ای به مجموعه‌ای از اندیشه‌ها، دغدغه‌ها و مسئولیت‌ها گفته می شود که از رهگذر مواجهه فرد با عوامل زمینه‌ای ایجاد شده است. مثلاً به هنگام مواجهه یک مسلمان متفکر دغدغه مند با عقب افتادگی جامعه اسلامی، انگیزه کشف عوامل این عقب افتادگی او را به مطالعه و پژوهش در این امر و می دارد تا برای این مسئله، پاسخی درخور بیابد که سرانجام به تاسیس یک جریان منجر خواهد شد. در شناسایی جریان‌های اجتماعی همچون جریان قرآنیون، ابتدا لازم است به دنبال کشف عوامل زمینه‌ای موثر در ایجاد عوامل انگیزه‌ای برآمد و برای این مهم، بررسی و تحلیل دیدگاه‌های دانشمندان و نویسندگان جریان قرآنیون از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

۵. استعمار و اشتراق

استعمار، از لحاظ سیاسی به معنای حاکمیت گروهی از قدرت‌های خارجی بر مردم یا بر سرزمین دیگر است. مارکسیست‌ها به جای کلمه‌ی استعمار از کلمه‌ی مشابهی تحت عنوان «امپریالیسم» استفاده می کنند. امپریالیسم در حقیقت به حکومتی اطلاق می شود که در آن یک حاکم نیرومند بر بسیاری از سرزمین‌های دور و نزدیک حکومت داشت؛ همانند امپراطوری‌ها، ولی بعدها به هرگونه حاکمیت مستقیم و غیرمستقیم کشورهای قدرتمند و کشورهای دیگر عنوان امپریالیسم داده شد (ولفگانگ، ۱۳۷۶ ش، صص ۱۲-۷).

در بارهٔ آثاری که پدیدهٔ استعمار بر کشورهای مستعمره داشته است، نظریات متفاوتی مطرح شده است. برخی از نظریه‌پردازان از جنبه‌ها و آثار مثبت این پدیده در کشورهای مستعمره سخن گفته‌اند و استعمار را سبب تحول و پیشرفت بومیان مستعمره دانسته‌اند. پیش‌فرض این گروه این است که مردمان کشورهای مستعمره قبل از ورود استعمار از تمدن و فرهنگ پیشرفته بی‌نصیب بودند و اروپائیان، تمدن و فرهنگ پیشرفته را برای آن‌ها به ارمغان آوردند. از این نظر، گسترش استعمار مترادف با گسترش تمدن غرب و در نهایت امری مطلوب تلقی می‌شود. در حالی که عدهٔ بسیاری از صاحب‌نظران این اندیشه را نژادپرستانه و نادرست می‌دانند. بر طبق این نظریه استعمار نه تنها آثار مثبتی بر جای نگذاشته؛ بلکه تأثیرات منفی بسیار زیادی نیز به همراه داشته است. برخی از مهمترین آثار و نتایج استعمار در زندگی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشورهای مستعمره عبارتند از: تغییر ساختار اقتصادی کشورهای مستعمره (اورس، ۱۳۶۲ش، صص ۵۱-۲۰)، تغییر ساختار اجتماعی، تغییر شکل‌بندی جغرافیای سیاسی بر اساس مصالح استعماری (ولایتی، ۱۳۹۰ش، صص ۲۱۴) و تغییر در فرهنگ کشورها. استشراق (شرق‌شناسی)، در اروپای قرون وسطی ابتدا به عنوان یک رشته علمی به واسطهٔ تلاش محققان برای فراگیری زبان‌های شرقی، پایه‌گذاری شد، اما در ابتدای قرن هفدهم میلادی و کثرت سفر به مشرق زمین پیشرفت کرده و عاملی برای شناخت بهتر و دقیق‌تر به شرق و شرقیان گردید. بر اساس نظریهٔ فرا استعماری^۱ ارائه شده توسط ادوارد سعید در کتاب شرق‌شناسی، شرق مخلوق غرب، این جریان، نوع جدیدی از تسلط را ارائه می‌کند. در این میان، تلاش بعضی از نویسندگان و شاعران برای شناساندن شرق به غرب مطابق با کلیشه‌های شکل گرفته در اروپای قرن نوزده و زمینه‌سازی این نوع تسلط، قابل تامل است. با این نگاه، شرق در ذهن غربیان به گونه‌ای دیگر درآمده و دیگر به معنای جغرافیایی کلمه مد نظر قرار نمی‌گیرد؛ بلکه به نوعی خاص مخلوق ذهن غربیان معرفی می‌شود (ترک لادنی، ۱۳۸۹ش، ج ۳، صص ۶۳-۷۷).

1. post-colonialisme.

استشراق انگیزه‌های متعددی را اعم از انگیزه‌های دینی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و علمی دنبال می‌کند (فالح الصغیر، ۱۴۳۳ق، ص ۱۹-۲۷؛ عائد المفلح الهذلی، ۲۰۱۶، صص ۳۸۹-۴۵۴). مهمترین اثر استشراق ایجاد شبهات فراوان در دین‌شناسی و دین‌ورزی مسلمان بود (صغیر احمد هندی، ۱۴۲۳ق).

سید احمد خان هندی به عنوان زمینه ساز ظهور قرآنیون، با تاثیرپذیری از استشراق و شبهات ایجاد شده، کوشید تا به آنها پاسخ داده و به نوعی از اسلام دفاع کند. او برای یافتن پاسخ‌ها با الهام از علوم مدرن و روش علمی ایشان به گونه‌ای عمل کرد که به انکار سنت و حدیث انجامید. این انکار تا بدانجا پیش رفت که آیات قرآن به نفع تمدن غرب تاویل گردید (هندی، ۱۳۳۲ش). وی حتی برخی آیات قرآن را چنان تفسیر کرد که با تورات و انجیل منافات نداشته باشند.

استشراق، مواجهه تمدنی بین شرق و غرب را ایجاد کرد. این مواجهه، سوال بزرگی را در ذهن و فکر مردم مستعمره بر ساخت و آن اینکه علل پیشرفت غربی‌ها و عقب ماندگی شرقی‌ها چیست؟

برخی چون محمد العابد الجابری مراکشی، عوامل خارجی و برخی مثل جورج تراپیشی سوری، عوامل داخلی را دلیل عقب ماندگی مسلمان برشمردند و در این باره پروژه‌های وسیعی پیشنهاد دادند.

بخشی که عوامل را داخلی دانستند، متهم اصلی را در دوری از تعالیم قرآن کریم، افراط در حجیت سنت و حدیث معرفی کردند. بنابراین، حجیت سنت را انکار و اعتبار حدیث را نفی کردند. این سرآغاز ظهور جریان قرآنیون شد.

جورج طرابیشی مترجم، اندیشمند و نظریه پرداز سوری و نویسنده پنج کتاب در نقد «نقد عقل عربی - اسلامی الجابری مراکشی» (مسجدی، ۱۳۹۷ش) بر خلاف عابد الجابری مراکشی و دیگر اندیشمندان که عامل خارجی را در عقب ماندگی مسلمانان موثر می‌داند، معتقد است که عامل داخلی موجبات این عقب ماندگی را باعث شده است. اختلافات میان طرابیشی و الجابری درباره عوامل دوری مسلمانان از عقلانیت است. برخلاف دیدگاه الجابری که عواملی بیرونی همچون عرفان مشرقی، تفکرات غنوصی و دیگر میراث دنیاگریزی و عزلت پروری وارداتی را علل دوری از عقل انتقادی و در نتیجه افول فرهنگ اسلامی قلمداد می‌نماید؛ طرابیشی عامل این بی‌اعتنایی و عقب ماندگی فرهنگی را جایگزین شدن ابزاری داخلی قلمداد نموده است (طرابیشی، ۲۰۱۰ م، ص ۶۳۳) وی معتقد است، عقل عربی - اسلامی، مدت زمان طولانی است که در یک حلقه تو خالی تحت عنوان "ایدئولوژی حدیثی" حرکت می‌کند و همین انحراف، زمینه رکود

عقل را در میان مسلمانان فراهم آورده است (طرابیسی، ۲۰۱۰م، ص ۶۳۱-۶۲۹).

طرابیسی در تحلیل شکل‌گیری ایدئولوژی حدیثی، نظریه عدم جهان‌شمولی رسالت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) را تحت عنوان "تحول پیامبر بومی به پیامبر جهانی" مطرح کرد تا از مجرای اثبات محدودیت جغرافیایی و زبانی رسالت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) لزوم ماندگاری سنت نبوی را مردود کند. سنتی که به اعتقاد او توسط علمای اسلام بعد از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) توسعه یافت و سبب انحراف اسلام از آموزه‌های اصلی قرآن گردید (طرابیسی، ۲۰۱۰م، ص ۱۰۷-۸۹).

این عامل داخلی، چیزی نیست جز حجیت بخشیدن مسلمانان به سنت و احادیث نبوی. وی معتقد است که مسلمانان بعد از رحلت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) اسلام قرآن را به اسلام حدیث تبدیل و فرهنگ و تمدن اسلامی را بر پایه حدیث و سنت نبوی بنیان نهادند. در نتیجه، عقل عربی تکوین یافته از این فرهنگ و منابع آن (سنت و حدیث) نتوانست تمدنی چون تمدن غرب بیافریند (طرابیسی، ۲۰۱۰م). این عامل که موجب انحطاط مسلمانان و عقب افتادگی تمدنی آنهاست، دیگر خارجی و تحمیلی نیست؛ بلکه از درون اسلام برخاسته است. این افراط تا بدان جا رفت که مسلمانان برای مسلمان کردن کفار به ساختن معجزاتی برای پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) پرداختند در حالی که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) پیامبری بدون معجزه است (طرابیسی، ۲۰۰۸م). در حالی که مقبول احمد همین انکار حجیت سنت و حدیث را از شبهات ایجاد شده از طریق استشراق معرفی می‌کند (مقبول احمد، ۱۴۱۱ق، ص ۵۶)؛ به عبارت دیگر او این عامل را از نتایج استشراق و تشکیکات ایجاد شده می‌داند.

برخی دیگر بر آنند که جریان قرآنیون، محصول تضاد موجود بین اندیشه‌های مختلف اهل حدیث است؛ زیرا آنان از سویی به طور افراطی حجیت منابع متقدم را رد کرده و تنها راه رسیدن به اسلام حقیقی را تمسک بدون واسطه به قرآن و سنت می‌پنداشتند و از سوی دیگر در رویارویی با احادیث رویکردی محافظه کارانه داشتند و حکم به پذیرش تمام احادیث مضبوط در منابع حدیثی قدیم می‌دادند. اما قرآنیون تنها ابزار دستیابی به اسلام ناب را تغییر دادند و پایه استدلال اهل حدیث را علیه خود آنان به کار گرفتند و تنها راه رسیدن به اسلام واقعی را پذیرش قرآن و انکار سنت و حدیث معرفی کردند (محمودی نبی‌کندی، ۱۳۹۹ش، شماره ۱۲، ص ۱۹۳-۲۱۴).

روش پژوهش

روش تحقیق در این بررسی، پژوهش اسنادی (از نوع کتابخانه ای)، به صورت توصیفی - تحلیلی و با هدف کشف عوامل پیدایش جریان قرآنیون اهل سنت معاصر فراهم آمده است. پژوهش اسنادی، پژوهش مبتنی بر شواهد برگرفته از مطالعه اسناد؛ مانند آرشیوها یا آمار رسمی است (مجدفر، ۱۳۸۲ ش). گاه از پژوهش کتابخانه‌ای به جای پژوهش اسنادی استفاده می‌شود که به نظر درست و دقیق نمی‌آید. در حالی که پژوهش اسنادی اعم از پژوهش کتابخانه‌ای و غیر آن است (گیدنز، ۱۳۷۸ ش).

یافته‌های تحقیق

بررسی آرای پژوهشگران در خصوص عوامل زمینه‌ای و انگیزه‌ای:

از آنجا که عوامل زمینه‌ای بر عوامل انگیزه‌ای تقدم دارند، بنابراین، بحث را در دو بخش بررسی عوامل زمینه‌ای و عوامل انگیزه‌ای سامان خواهیم داد.

الف- عوامل زمینه‌ای:

یافته‌های تحقیق بر سه عامل استعمار و استشراق که منجر به مواجهه تمدنی می‌شود، تاکید دارند. در این بخش چکیده آرای اندیشمندان را ذیل هر یک از عوامل سه گانه ارائه می‌کنیم.

۱- استعمار

۱-۱: خادم حسین الهی بخش:

وی در کتاب القرآنئون و شبهاتهم حول السنه، منشأ جریان قرآنیون را در استعمار و روش‌های آن برای رسیدن به اهداف خود معرفی می‌کند و در این راه فرآیند زیر را می‌پیماید:

- فرقه سازی و وارد کردن افکار غیر اسلامی بین مسلمانان؛
- فریفتن فرقه‌های اسلامی مبنی بر انتشار نظریات علمی غربی و تفسیر حقایق اسلامی؛
مثل سید احمد خان هندی (الهی بخش، ۱۴۲۱ق، صص ۱۹-۲۵)؛
- تربیت افرادی چون غلام احمد قادیانی و عبدالله جکوالوی و پیروان آن دو.

۱-۲: سعد رستم

رستم تحت عنوان فرق حدیثی جدید، ضمن بر شمردن آغاخانیه، قادیانیه و شیخیه به جماعت اهل

القرآن در شبه قاره می‌پردازد. او در بیان جماعت قرآنیون، آنها را اصحاب فهم عصری قرآن، منکرین سنت و حدیث معرفی می‌کند.

رستم در مقدمه، بعد از بیان تاریخ ظهور قرآنیون در شبه قاره، عقاید و آرا و بیان آثار سوء تمسک به سنت و حدیث با عنوان «مما ادى التاخر المسلمین و خلفهم عن ركب الحضاره و التقدم...»، می‌نویسد که انگیزه اصلی سید احمد خان بیرون کشیدن مسلمانان هند از وضعیتی که در آن گرفتار آمده بودند و مقدمات فرآیند آن از انقلاب ۱۸۵۷م مسلمانان علیه استعمارگران انگلیسی بر هند شروع می‌شود. شرایط سیاسی حاکم بر هند و وضعیت مسلمانان و مواجهه ایشان با حاکمیت انگلیسی او را به این نتیجه رساند که این جهالت و عقب ماندگی مسلمانان از عقاید آنان که مبتنی بر سنت و حدیث نشأت می‌گیرد؛ بنابراین، در جهت اصلاح این دیدگاه مسلمانان به انکار سنت و حدیث پرداخت (رستم، ۲۰۰۵م، ص ۳۷۴).

رستم، همین تفسیر را به مصر و جهان عرب تسری داده و مواجهه مدرنیته و تجدد با دین مبتنی بر سنت و حدیث می‌داند و لذا شیخ محمد عبده را که بنیان این مسئله را در مصر گذارد به عنوان کسی که به دنبال آشتی دین و مدرنیته است نام برده و فعالیت‌های او را بیان می‌کند (همان، ص ۳۸۲).

۳-۱: عمرو الشاعر

وی معتقد است سید احمد خان هندی در دام اشغالگران خارجی گرفتار شده و شیفته علم غرب گردید. علوم غرب را میزان سنجش دین قرار داد؛ بنابراین، سنت را به دلیل تاریخی بودن، عدم تطابق با دنیای مدرن و نیز وجود تناقض در آن، منکر شد (الشاعر، ۲۰۰۹م، ص ۱۱).

۴-۱: باب الله محمدی نبی کندی

وی شکل‌گیری جریان قرآنیون در شبه قاره را در «مستعمره شدن هند توسط انگلیسی‌ها» خلاصه کرده است. این عامل آثاری را به دنبال داشت:

الف) جنبه‌های گوناگون تجربه استعماری، سبب ایجاد تمایل خاصی به سنت نبوی شد.

ب) مفهوم اعتقاد به نص کتاب مقدس در نزد مبلغان دینی پروتستان قطعاً در شیوه نگرش برخی مسلمانان به رابطه قرآن و سنت تأثیرگذار بوده است؛ زیرا در قرن ۱۹ میلادی مبلغان مسیحی در بین مذاهب شبه قاره فعالیت گسترده داشتند. در این قرن برخی خاورشناسان همچون ویلیام مونر و آلویس اشپرنگر تأثیر مستقیمی در افکار دانشمندان شبه قاره داشته است. اینان سوالاتی را مطرح کردند که آیا احادیث واقعاً بازتاب

دهنده کلام و اعمال پیامبر است؟ آیا فرآیند انتقال احادیث از صدر اسلام به این دوران معتبر است؟ آیا روش سنتی تشخیص احادیث صحیح از غیر صحیح معتبر است؟ (محمدرضا نبی کندی، ۱۳۹۹ ش)

۱-۵: حسن افسر دیر

اشغال هندوستان توسط انگلیسی‌ها و شکست مسلمانان در انقلاب ۱۸۷۵م موجب تحمیل شرایط نامطلوب بر مسلمانان شد. جهت سامان دادن به آن شرایط نامطلوب، جنبش‌های اصلاحی به وجود آمد. یکی از این جنبش‌های اصلاحی حرکت اصلاح گرایانه سید احمد خان هندی است. انگیزه او در این جنبش پس از آشنایی با تمدن غرب و بعد از سفر به انگلستان و اقامت ۱۷ ماهه در آنجا پدید آمد. سید احمد خان به این نتیجه رسید که علت عقب افتادگی مسلمانان، استیلاي جهل است. وی علت جهل مسلمانان را در تقلید کورکورانه از گذشتگان و دوری از تمدن و پیشرفت‌های غرب معرفی کرد. چون مسلمانان علوم طبیعی و فلسفه را مخالف دین می‌دانند، از دانش و تمدن دور افتادند. وی برای نزدیک ساختن اذهان مسلمانان به این علوم، انجمن ترجمه را در انگلستان تاسیس کرد. پس از بازگشت از اروپا نیز مجله‌ای با نام تهذیب الاخلاق در هند راه اندازی کرد و در نهایت در جهت آشتی علم و دین رویکردی نوگرایانه در پیش گرفت و آن نوشتن تفسیر نوگرایانه قرآن به نام القرآن هو الهدی و الفرقان بود. در انقلاب ۱۸۷۵م مخالف نظر مردم به انگلستان کمک کرد تا غائله بخوابد؛ زیرا معتقد بود، تا توازن بین دوجبهه نباشد هیچ طرفی نفع نمی‌برد. از این رو، نظورش این شد که این انقلاب بی نتیجه است و کشتن شهروندان انگلیسی غیر انسانی است. برای رسیدن به این هدف با صرف اموال زیاد و تلاش‌های فراوان، خیلی از انگلیسی‌ها را نجات داد و متهم به خیانت شد اما از طرف انگلستان تفقد شده و به لقب «سر» مفتخر گردید (افسر دیر، ۱۳۹۸ ش، ش ۳۶، صص ۱۹۵-۲۱۴).

۱-۶: پیمان زنگنه

وی بیان می‌دارد که اندیشه سیاسی سید احمد خان هندی - به عنوان یک اصلاح گر دینی - شدیداً متأثر از ساخت قدرت مسلط سیاسی انگلیس در هندوستان است. وی از جمله اندیشمندان اصلاح گری است که به منظور اصلاح دینی و انطباق گزاره‌های دینی با شرایط جدید کوشید تا فرآیند اصلاح دینی را جهت روز آمد کردن زندگی مسلمانان هند، به نحو مطلوبی انجام دهد. از این رو، درصدد تفسیر قواعد دینی برآمد، اما نتیجه این تفسیر چیزی جز ارائه تفاسیری رادیکال و مغایر با شریعت نبود. او در این راستا کوشش کرد تا

مفاهیم دینی را بر اساس رویکرد علمی و تجربی بازگو کند.

بدینی مسلمانان به نیت واقعی انگلیسی ها، باعث شد تا تعامل خوبی بین ایشان و انگلیسی ها ایجاد نشود؛ زیرا مسلمانان آنها را کافر می دانستند، در عوض هندوها توانستند تعامل خوبی با آنها برقرار کنند.

سید احمد خان هندی با مشاهده حوادث هندوستان بر آن شد تا با هدف رهاندن مسلمانان از چنین شرایط نامساعدی به انگلیس نزدیک شود و تفسیری همسو با قدرت سیاسی مسلط انگلیس از اسلام ارائه دهد. بدین منظور بعد از انقلاب ۱۸۵۷م و در سال ۱۸۶۹م سفری ۱۷ ماهه به انگلستان داشت. سیاستمداران، دولتمردان و شخصیت های علمی انگلیسی به گرمی از او استقبال کردند. با دیدار از دانشگاه ها، مراکز مختلف علمی و فرهنگی، شیفته پیشرفت علمی و اقتصادی غرب شد. این شیفتگی عقاید و نگرش های سیاسی و اجتماعی او را تغییر داد. استعمارگران نیز با سوء استفاده از شیفتگی او نسب به تمدن غرب، او را در مسیر رسیدن به اهداف خود ابزار کرده و یاری اش کردند. سید احمد خان با تاثیرپذیری از ارزش های رژیم حاکم، معتقد بود که انگلستان دشمن شریف و عاقلی است که امکان تفاهم با او وجود دارد و به تدریج می توان امتیاز گرفت.

سید احمد خان پس از افتادن در دام استعمار، اندیشه ای را تولید کرد که مبنای جریان قرآنیون شبه قاره را به وجود آورد. در این اندیشه عملاً بسیاری از ضرورت های دینی نادیده گرفته شده و دین به سمت سکولاریزه شدن منحرف گردید. از دیگر آثار این اندیشه، طبیعت گرایی، عقل گرایی، ضدیت با علمای دینی سنتی و محافظه کار، تاکید بر بهره مندی مسلمانان هند از علم روز، جهت دهی فکری و ساختارسازی در فرآیند اصلاح دینی، تاکید بر ملی گرایی و ضدیت با پان اسلامیسم را می توان نام برد. (زنگنه، ۱۳۹۶ش، ش ۳۳، ص ۶۹-۹۰)

۲- استشراف

۱-۲: محمد حامد الناصر:

او در کتاب العصرانیون بین مزاغم التجدید میادین التغریب (الناصر، ۱۴۲۲ق، ص ۶۲) بعد از تعریف مدرنیته (العصرانیة والعصرانیون)، شبهات به وجود آمده درباره سنت را در تاثیرپذیری مصلحان اجتماعی از مستشرقین (خاورشناسان) می داند و سپس به برخی تشکیکات و شبهات اشاره می کند. او می نویسد، عصرانیة (مدرنیته)، جریان تجدید نظر طلبانه ای است که در داخل ادیان بزرگی چون یهود و مسیحیت اتفاق افتاد.

مستشرقین به بهانه «تاخیر در تدوین حدیث» به سنت حمله کرده و موجبات شک و شبهه و اشاعه فکر جعل در بسیاری از احادیث را فراهم آوردند. بخشی از جامعه مسلمان (مصلحان) با پیش زمینه تاثیر از آرای معتزله از شبهات مستشرقین نیز تاثیر پذیرفته و چون پلی برای عبور «عصرانیون» شدند. برخی تشکیکات درباره سنت که توسط عصرانیون مطرح شده به قرار زیر است:

- تشکیک در صحت حدیث نبوی: بعضی از شاگردان مکتب استشراق در این باب می‌نویسند که «اننا یجب علینا الاقتصار علی کتاب الله تعالی مع استعمال العقل و التصرف و بعبارة اخرى الكتاب و القیاس، اما السنه فمأزاد منها علی الكتاب، ان شئنا عملنا به و ان شئنا تركناه» (المنار: ۷-۱۲/ السنه التاسعه/ د. توفیق حسن/ الاسلام هو القرآن وحده).
- تشکیک در برخی احادیث صحیحین: (المنار، شماره ۲۹، صص ۱۰-۱۰۵).
- تشکیک در تدوین حدیث نبوی: «انها لم تكتب فی عهد الرسول (ص).. ولذا طرء علی السنه من التبدیل و الزیاده كما طرء علی اهل الكتاب لعدم کتابتها فی عهده و عدم حصر الصحابه لها فی کتاب معین و عدم تبلیغها للناس بالتواتر و عدم حفظها لهم جیدا فی صدورهم» (المنار، شماره ۹، صص ۵۱۵-۹۱۱).
- تقسیم السنه الی عملیه و غیر العملیه: اصلاحیون فقط به سنت عملی (نه سنت قولی) التزام داشتند. اموری چون نماز، روزه، سنت عملی هستند که متواتر می‌باشند (المنار، ج ۱۰، ص ۸۵۲، و نیز جلد ۲۷ ص ۶۱۶).
- القدح فی عداله الصحابه (موقف المدرسه العقلیه من السنه النبویه، صص ۷۵۴-۷۶۸) (اضواء علی السنه المحمديه، ص ۳۱۰).
- حامد الناصر برخی از شرایط حیات سید احمد خان هندی را به شرح زیر بیان می‌دارد:
 - زندگی در خانواده‌ای فقیر (نشاء فی اسره فقیره)؛
 - خانواده صوفی مآب (جد اسرته مشبع بالتصوف)؛
 - شرکت در مجالس لهو لعب در جوانی؛
 - خدمت به بریتانیای کبیر به عنوان قاضی؛
 - کمک به حکومت انگلیس جهت آرام کردن انقلاب مردم چون معتقد بود، انقلاب نتیجه‌ای جز شکست ندارد؛
 - منحصر دانستن راه رهایی در دوستی با حکومت انگلیس؛

- احساس وظیفه در باز کردن چشم و گوش مسلمانان برای مشاهده عظمت تمدن غرب بعد از سفر به اروپا.

۲-۲: جمال بن محمد بن احمد الهاجر

نویسنده در شروع مبحث دوم با عنوان «العصرانیون فی العصرالحاضر» می نویسد: احیای فتنه انکار سنت توسط مستشرقین با قدم های حساب شده زیر می باشد:

- مطالعه و تحقیق در کتاب های فرق ضاله با هدف نابودی سنت نبوی؛
- بکارگیری انواع وسایل و روش ها؛ مانند استفاده از ظرفیت های علمی دانشگاه ها، روزنامه ها، مجلات و...؛
- انتخاب هند^۱ به عنوان پایلوت به دلیل مقاومت کشورهای عربی در برابر این پروژه؛
- ورود این جریان در قرن ۱۴ قمری (۱۹ میلادی) به سرزمین های عربی چون مصر (الهاجر، ۱۴۳۶ق، ص ۷۹).

همین نویسنده در مبحث اول باب سوم همان کتاب، اسباب ظهور طایفه قرآنیون در هند را بشرح زیر بیان می دارد:

- جهل: از نظر او، جهل به شریعت اسلامی و احکام آن و نیز جهل به زبان عربی؛
- وسایل ارتباطی چون اینترنت؛
- عشق به معروفیت و شهرت؛
- تاثیر مکتب عقلی جدید (مدرن)؛
- نقش استشراق (الهاجر، ۱۴۳۶، ص ۱۶۸).

۳-۳: عبدالرحمن محمد یوسف النجدی

النجدی در باب قرآنیون در مصر چهار فصل را به تاریخ قرآنیون در مصر و عوامل پیدایش آن و نیز منابع پشتیبانی و ویژگی های این جریان می پردازد.

۱. کمپانی هند شرقی در سال ۱۷۰۵م از نظر اقتصادی بر هند تسلط یافت، اما اشغال نظامی به تدریج و در سال ۱۸۵۷م اتفاق افتاد.

باب اول: قرآنیون در مصر

فصل اول: تاریخ قرآنیون در مصر و عوامل پیدایش آنان.

مبحث اول: استشراق و تاثیر آن در حیات فکری قرآنیون در مصر.

مبحث دوم: اشغال مصر توسط انگلستان و تاثیر آن در حیات فکری مصر.

مبحث سوم: مدرسه عقلی و تاثیر آن بر حیات فکری در مصر.

فصل چهارم: منابع پشتیبانی قرآنیون و ویژگی‌های آنان.

مبحث اول: منابع پشتیبانی قرآنیون و اجتماعات آنها (النجدی، ۱۴۳۳ق، ص ۱۵۵).

منابع پشتیبانی: شامل منابع داخلی چون وزارت فرهنگ مصر که در انتشار کتابها و حضور در نمایشگاه‌های بین المللی آنها را پشتیبانی مالی کرد. منابع خارجی که عبارت بود از پشتیبانی مالی که خارجی‌ها از آنها داشتند (همان، ص ۱۵۶ و ۱۵۷).

۳-۲: سعید أحمد بن صغیر أحمد العمری^۱ الهندی

سعید احمد مولف «اثر الاستشراق علی المنهج العقدي الاسلامی بالهند» به بررسی تاثیر جریان استشراق در ظهور و بروز جریان‌های فکری هند پرداخته است. او معتقد است که نتیجه انتشار جریان استشراق در هند به وجود آمدن متفکرینی است که فعالیت‌های علمی و عقایدی خود را با علم یا بدون علم بر آرای مستشرقین بنا نهاده‌اند. نتیجه چنین تاثیری ظهور فرقه‌های فراوان منحرفی چون قادیانیه و منکرین سنت است.

وی بیان می‌دارد که شدت تاثیر استشراق بر سرزمین هند چنان است که حتی مدافعان اسلام در برابر فرقه‌های منحرفی چون قادیانیه، قرآنیون و غیره نیز در روش خود از روش‌های مستشرقین بهره برده‌اند. سپس ادامه می‌دهد جریان استشراق، حمله وحشیانه‌ای است که در سرزمین هند باعث شد برخی مسلمانان مرتد شده و از اسلام روی برگردانند. (العمری، ۱۴۲۳ق)

۴-۲: صلاح الدین مقبول احمد

مقبول احمد می‌نویسد تاریخ فتنه انکار حدیث، به حملات صلیبی‌ها به سرزمین‌های اسلامی بر ۱۲۷

۱. شهرت وی به العمری به جهت انتساب به روستایی به نام عمرآباد در هند است.

می‌گردد، اما در اثر مقاومت مسلمانان، صلیبی‌ها از تصرف سرزمین‌های اسلامی ناامید شدند و راهبرد خود را از حملات نظامی (جنگ سخت) به مبارزات فکری و فرهنگی (جنگ نرم) تغییر دادند. آنها افرادی را آموزش دادند و تربیت کردند که بعدها مستشرقین نامیده شدند. اینان آرا و نظریه‌های خود را در تمام حوزه‌های دینی مطرح ساخته و خود به تربیت شاگردانی از درون جوامع اسلامی پرداختند. برخی از شاگردان، منابع و آثار تولید شده توسط اساتید خود (مستشرقین) را با لباسی اسلامی پذیرفتند و برخی دیگر آن آثار را آشکارا پذیرفته و به آن تفاخر کردند. این گونه بود که مستشرقین در ایجاد شبهه و انهدام اسلام توسط عوامل داخلی موفق شدند و در نتیجه، سنت، انکار شد.

با ایجاد شبهات و انکار سنت، عده‌ای از مسلمانان درصدد اصلاح اسلام برآمدند. شروع اصلاح از متون اسلامی بود، بدین گونه که با ظنی خواندن سنت و اکتفا به قرآن قطعی الصدور، فتنه انکار حدیث آغاز شد. برخی تاریخ شروع این فتنه جدید را به شیخ محمد عبده نسبت دادند. ابوریحانه به نقل از محمد عبده، برای مسلمانان غیر از قرآن، امامی معرفی نمی‌کند و اسلام صحیح را همان اسلام قرون اولیه می‌شمارد (مقبول احمد، ۱۴۱۱ق، ص ۵۶).

۵-۲: السید احمد جمعه حسن سلام

جمعه حسن سلام، مصادر تلقی انکار سنت را خوارج، شیعه، معتزله و جریان استشراق معرفی می‌کند. سپس از نقش انگلیس در سقوط هند پرده برداشته و در ادامه سقوط عقیدتی مسلمانان را قبل از سقوط فرهنگی، سیاسی و اقتصادی برمی‌شمارد. استعمار با استفاده از اصحاب شهوات و مطامع مادی ایشان و نیز جهل امت اسلامی به فرقه سازی پرداخت و بدین سان بدعت‌ها و آرای؛ مانند «الاكتفاء بالقرآن دون السنه» در اسلام وارد شد (جمعه حسن سلام، ۲۰۲۰ق، ص ۵۷۱).

۳- مواجهه تمدنی

- سید علی محمد نقوی

او می‌نویسد که دوره سید احمد خان از نظر سیاسی شرایط خاصی داشت:

- این دوره، زمان سقوط گورکانیان و انحطاط مسلمانان به شمار می‌آید.
- گورکانیان به شدت در قلعه دهلی محدود و انگلیسی‌ها به سرعت بر سراسر هند مسلط شدند.

سپس با بر شمردن شرایط اجتماعی و فرهنگی مطالب خویش را ادامه می‌دهد:

- از آنجا که سید احمد خان با سفر به اروپا و وابستگی به دانشگاه انگلیس با توسعه عظیم علم و فلسفه در غرب آشنا شده بود، به زعم خود، پی برد که مسلمانان از نظر فرهنگ، علم و فن آوری بسیار عقب افتاده‌اند.
- با تلاش افرادی چون «راجا رام موهان رای» یک رنسانس فکری در میان هندوان آغاز شده بود و آنان به آموزش جدید و فراگیری زبان انگلیسی روی آورده بودند و در حالی که عالمان مسلمان هنوز این موارد را تکفیر می‌کردند.
- نضج هندوان و سرکوب مسلمانان به دنبال انقلاب ۱۸۵۷م، سید احمد خان را متقاعد کرد که تنها راه حفظ موجودیت مسلمانان، دوستی با انگلیس، فراگیری دانش جدید با هدف دفاع از دین و معارف دینی خود در مقابل بیگانگان است.
- سید احمد خان با هدف خرافه زدایی از دین و قابل قبول کردن دین دو کار انجام داد:
- نوشتن مقالاتی در تفسیر آیات به صورت پراکنده در مجله تهذیب الاخلاق؛
- نگارش تفسیر ترتیبی به نام «القرآن هو الهدی و الفرقان» از ابتدای جزء اول که از سال ۱۸۷۹م تا سال ۱۸۹۸م ادامه داشت (نقوی، ۱۳۹۳ش/۲۰۱۴م، ص ۹۵).

ب- عوامل انگیزه‌ای:

۱- انگیزه رهایی از وضعیت نابسامان برآمده از استعمار.

- ۱-۱- سعد رستم، انگیزه اصلی سید احمد خان را بیرون کشیدن مسلمانان هند از وضعیت ساخته شده توسط استعمار انگلیس می‌داند. او در نهایت به این نتیجه می‌رسد که جهالت و عقب ماندگی مسلمانان ناشی از عقاید مبتنی بر سنت و حدیث است و انکار سنت و حدیث را تنها راه برون رفت از این عقب ماندگی می‌داند (رستم، ۲۰۰۵م، ص ۳۷۴). رستم همین تفسیر را به مصر و جهان عرب تسری داده و مواجهه مدرنیته با دین مبتنی بر سنت و حدیث می‌داند. او از شیخ محمد عبده به عنوان بنیانگذار این جریان در مصر یاد کرده و انگیزه او را آشتی دین و مدرنیته معرفی می‌کند (همان، ص ۳۸۲).

۱-۲- نبی‌کندی معتقد است که به دنبال مستعمره شدن شبه قاره و تاثیر تمدنی آن و نیز شبهات وارد شده در فرهنگ اسلامی هند، برخی چون سید احمد خان بر آن شدند تا جهت برون رفت از این معضلات عامل اصلی را بیابند که در نهایت مقصر اصلی عقب ماندگی مسلمانان، بر گردن سنت و حدیث افتاد (محمدی نبی‌کندی، ۱۳۹۹ش).

۱-۳- حسن افسر دیر، وضعیت نابسامان هند را پس از استعمار انگلیس، عامل ایجاد جنبش‌های اصلاحی چون حرکت اصلاح گرایانه سید احمد خان هندی بر می‌شمارد. انگیزه او در این جنبش از آشنایی با تمدن غرب بعد از سفر به انگلستان و اقامت ۱۷ ماهه در آن پدید آمد. سید احمد خان به این نتیجه رسید که علت عقب افتادگی مسلمانان، استیلای جهل است. وی علت جهل مسلمانان را در تقلید کورکورانه از گذشتگان و دوری از تمدن و پیشرفت‌های غرب معرفی کرد. چون مسلمانان علوم طبیعی و فلسفه را مخالف دین می‌دانند، از دانش و تمدن دور افتادند و ریشه این دور افتادن از تمدن و پیشرفت سنت و حدیثی است که جز جهل ثمره‌ای ندارد (افسر دیر، ۱۳۹۸ش، ش ۳۶، صص ۱۹۵-۲۱۴).

۱-۴- زنگنه نیز معتقد است، استعمارگران با سوء استفاده از شیفتگی سید احمد خان، نسب به تمدن غرب، او را در مسیر رسیدن به اهداف خود ابرار کرده و یاری اش کردند. او نیز در نهایت، سنت و حدیث را به اتهام منشأ عقب ماندگی مسلمانان، انکار کرد (زنگنه، ۱۳۹۶ش، ش ۳۳، صص ۶۹-۹۰).

۲- انگیزه خروج از تشکیکات و شبهات برآمده از جریان استشراق

۱-۲- الناصر می‌نویسد: مستشرقین به بهانه «تاخیر در تدوین حدیث» به سنت حمله کرده و موجبات شک و شبهه و اشاعه فکر جعل در بسیاری از احادیث را فراهم آوردند. قرآنیون جهت برون رفت از این تشکیکات، چاره را انکار سنت و حدیث دانستند (الناصر، ۱۴۲۲ق، ص ۶۲).

۲-۲- الها، احیای فتنه انکار سنت توسط مستشرقین را بر اساس قدم‌های حساب شده‌ای می‌داند که در نهایت قرآنیون به انگیزه پاسخ به شبهات فراوان، به انکار سنت و حدیث روی آوردند. (الهاجر،

۲-۳- النجدی در باب پیدایش قرآنیون در مصر پس از توضیح تاثیر استشرق و به دنبال آن استعمار و تاثیر آن دو در حیات فکری مسلمانان مصر، انگیزه اصلی قرآنیون را خروج از شبهاتی که بر اثر آن عامل عقب ماندگی مسلمانان را سنت و حدیث معرفی می کند. بنابراین، تنها راه برون رفت از انحطاط تمدنی را زدودن آثار سنت و حدیث در میراث فکری مسلمانان می شمارد (النجدی، ۱۴۳۳ق، ص ۱۵۵).

۲-۴- العمری معتقد است که نتیجه انتشار جریان استشرق در هند به وجود آمدن متفکرینی است که فعالیت های علمی و عقایدی خود را با علم یا بدون علم بر آرای مستشرقین بنا نهاده اند. نتیجه چنین تاثیری ظهور فرقه های فراوان منحرفی چون قادیانیه و منکرین سنت (قرآنیون) می باشد (العمری، ۱۴۲۳ق).

۲-۵- مقبول احمد می نویسد: تاریخ فتنه انکار حدیث به حملات صلیبی ها به سرزمین های اسلامی بر می گردد، اما در اثر مقاومت مسلمانان، صلیبی ها از تصرف سرزمین های اسلامی ناامید شدند و راهبرد خود را از حملات نظامی (جنگ سخت) به مبارزات فکری و فرهنگی (جنگ نرم) تغییر دادند. ایشان افرادی را آموزش داده و تربیت کردند که بعدها مستشرقین نامیده شدند. اینان آرای و نظریه های خود را در تمام حوزه های دینی مطرح ساخته و خود به تربیت شاگردانی از درون جوامع اسلامی پرداختند. برخی از شاگردان منابع و آثار تولید شده توسط اساتید خود (مستشرقین) را با لباسی اسلامی پذیرفتند و برخی دیگر آن آثار را آشکارا پذیرفته و به آن تفاخر کردند. این گونه بود که مستشرقین در ایجاد شبهه و انهدام اسلام توسط عوامل داخلی موفق شدند و در نتیجه سنت انکار شد (مقبول احمد، ۱۴۱۱ق، ص ۵۶).

۳- انگیزه اصلاح گری دینی در مواجهه با تمدن غرب

۳-۱- عنایت می گوید: هر دو جریان قرآنیون هند و مصر گویی در اثر مواجهه با پیشرفت صنعتی غرب و مشاهده عقب ماندگی مسلمانان شکل گرفته است و در پی نوعی

بازنگری در تفسیر دین و قرآن بوده اند (عنایت، ۱۳۶۹ ش، ص ۲۴)، (نقوی، ۱۳۹۳ ش ۲۰۱۴/م، ص ۹۵).

۲-۳- احمد عزیز درباره سیر تطور جنبش هایی چون قرآنیون در شبه قاره می نویسد، آغاز قرن ۲۰ میلادی مبدأ پیدایش جماعتی بنیادگرا به نام اهل القرآن است که فقط قرآن را منبع شریعت می شمردند و راه حل مشکلات و عقب ماندگی جامعه اسلامی را در نادیده انگاشتن سایر منابع متداول شریعت و تنها اکتفا کردن به قرآن، به عنوان منبع ثابت و جاوید دین تلقی می کردند (عزیز، ۱۳۶۷ ش، ص ۱۹).

۳-۳- الرومی اعتقاد دارد که رویکرد اساسی حرکت اندیشه های اجتماعی- اصلاحی در خروج از مواجهه تمدنی است. در این حرکت، قرآن مصدر اساسی تشریع تلقی و نقش دیگر منابع از جمله سنت بکلی نادیده انگاشته می شود (الرومی، ۱۴۱۸ ق، سرتاسر).

نتیجه گیری و جمع بندی

جریان های اجتماعی معمولاً در طول زمان بر اثر وجود بعضی رهبران یا بروز شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مشخص به وجود می آیند و ممکن است گروه ها یا سازمان های معینی هم از این رهگذر ایجاد شود؛ مثل ذهنیت ها، مکتب های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، ادبی، دینی و علمی چه آنها که دارای عوارض و آثار متنوع اجتماعی بودند و هنوز ادامه دارند یا آنهایی که در زمانی ایجاد شده و بعد از میان رفته اند همه و همه از انواع جریان های اجتماعی اند.

پژوهشگران در پیدایش جریان قرآنیون اهل سنت معاصر به ویژه شبه قاره، آرای متنوع و متعددی ارائه کرده اند. اما اکثر ایشان پدیده استعمار و به دنبال آن اشتقاق را به عنوان عوامل زمینه ای، بازشناسی کرده و بر این باورند که استعمار برای دستیابی به منابع طبیعی و سرزمینی بیشتر، ممالک دیگر را تحت سیطره نظامی و قدرت سیاسی خود قرار داده و به غارت منابع ایشان پرداخت. اما این سیطره سیاسی و نظامی کفایت نمی کرد؛ بلکه شناختی بیشتر نیاز بود. از این رهگذر پدیده اشتقاق متولد شد، به گونه ای که این پدیده به نوعی مواجهه تمدنی بین غرب و شرق ایجاد کرد. سوالات برآمده از این مواجهه تمدنی، پاسخی در خور می طلبید. عده ای عوامل خارجی و برخی دیگر عوامل داخلی را در این عقب ماندگی موثر می دانستند. گرفتن انگشت

اتهام به سمت دین و عناصر میراثی آن مهمترین پاسخی که در این خصوص ارائه گردید.

دغدغه عالمان مسلمان برای رفع اتهام از دین و عناصر آن (عامل انگیزه‌ای) منجر به نظریه پردازی‌های مختلفی گردید. اینجا بود که برخی از عالمان دینی و اجتماعی مسلمان به اصلاح گری روی آورده و اصلاح منابع دینی (سنت و حدیث) را در دستور کار خود قرار دادند و بر این مبنا قرآن را تنها منبع مطمئن و متقن جهت برپاسازی تمدن اسلامی جدید معرفی کردند.

فهرست منابع

- قرآن کریم.
۱. آقایی، سید علی، (۱۳۸۹ش)، «قرآن بسندگی و انکار حجیت حدیث: بررسی خاستگاه و اندیشه‌های اهل قرآن/قرآنیون»، مجله معرفت کلامی، سال اول، پاییز، شماره ۳.
 ۲. ابوریه، محمود، (۱۴۲۰ق)، اضواء علی السنه المحمديه او دفاع عن الحدیث ایران، قم، موسسه انصاریان للطباعة و النشر، چاپ دوم.
 ۳. اخوان مقدم، زهره، (۱۳۹۶ش)، «قرآنیون و منبع‌شناسی»، فصلنامه سفینه، شماره ۵۷، ویژه قرآن بسندگی، زمستان.
 ۴. اسعدی، محمد، (۱۳۸۵ش)، «جریان‌شناسی قرآن بسندگی در دو قرن اخیر؛ نگاهی به شبه قاره هند و کشورهای عربی»، دو فصلنامه حدیث اندیشه، ش ۱، بهار و تابستان ۱۳۸۵ش، صص ۹۵-۱۰۶.
 ۵. الرومی، فهد بن عبدالرحمن بن سلیمان، (۱۴۱۸ق/۱۹۹۷م)، اتجاهات التفسیر فی القرن الرابع عشر، لبنان: بیروت، موسسه الرساله، الطبعه الثالثه، اجزاء ۱ و ۲.
 ۶. افسردیر، حسن؛ فتاحی زاده، فتحیه، (۱۳۹۸ش)، «تاثیر مبانی فکری سید احمد خان هندی بر اندیشه‌های تفسیری وی»، دو فصلنامه مطالعات شبه قاره، دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال یازدهم، شماره ۳۶، بهار و تابستان ۱۳۹۸ش، صص ۲۱۴-۱۹۵.
 ۷. الشاعر، عمرو، (۲۰۰۹م)، القرآنیون؛ مصلحون ام هادمون، مصر: الجیزه، مکتبه النافذه.
 ۸. اکرم، محمد، (۱۳۷۰ش)، «سرسید احمد خان هندی و دانشگاه علی‌گر»، ترجمه علی قلی قرائی و رسول جعفریان، تاریخ و فرهنگ معاصر، سال ۱، ج ۲، زمستان.
 ۹. العمری، سعید احمد بن صغیر احمد هندی، (۱۴۲۳ق)، اثر الاستشراق علی المنهج العقدي الاسلامی بالهند أطروحة: دکتورا، جامعه الامام محمد بن سعود الإسلامیة - کلیة الدعوة والإعلام بالمدينة المنورة إشراف: محمود رزق ماضی - ف عبد الرحیم. العام الجامعی: ۱۴۲۳ق.
 ۱۰. الهی بخش، خادم حسین، (۱۴۲۱ق)، القرآنیون و شبهاتهم حول السنه، طائف: مکتبه الصدیق.

۱۱. الناصر، محمد حامد، (۱۴۲۲ق/۲۰۰۱م)، العصرانیون بین مزاغم التجدید و میادین التغریب المملکه العربیه السعودیه: الرياض، مکتبه الکوثر، الطبعة الثانيه.
۱۲. النجدی، عبدالرحمن محمد یوسف، (۱۴۳۳ق)، القرآنئون فی مصر و موقف الاسلام منهم؛ اقوی رد علی منکری السنه، مصر: قاهره، دارالبيان للنشر و الترجمه و التوزیع، الطبعة الاولى.
۱۳. اورس، تیلمان، (۱۳۶۲ش)، ماهیت دولت در جهان سوم، ترجمه: بهروز توانمند، تهران، آگاه.
۱۴. الهاجر، جمال بن محمد بن احمد، (۱۴۳۶ق/۲۰۱۵م)، القرآنئون العرب و موقفهم من التفسیر؛ دراسه نقديه، المملکه العربیه السعودیه: جدّه، دارالتفسیر، الطبعة الاولى.
۱۵. بابایی، علی اکبر، (۱۳۹۱ش)، مکاتب تفسیری، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ج ۲.
۱۶. ترک لادانی، صفورا، (۱۳۸۹ش)، شرق شناسی؛ «مطالعات فرا استعماری درباره شرق» مجله مطالعات زیان فرانسه، تهران، شماره سوم، پائیز و زمستان. صص ۶۳-۷۷.
۱۷. شرایبی، هشام، (۱۳۶۸ش)، روشنفکران عرب و غرب، مترجم: عالم، عبدالرحمن، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
۱۸. جعفریان، رسول، (۱۳۷۱ش)، نزاع سنت و تجدد، قم، انتشارات رئوف.
۱۹. جمعه حسن سلام، السید احمد، (۲۰۲۰ق)، القرآنئون فی دائره الضوء و ادله حجیه السنه، آمریکا: لس آنجلس، المجله الأكادمیه للابحاث و النشر العلمی.
۲۰. خاکپور، رحیم، (۱۳۹۶ پاییز و زمستان)، «السنه قاضیه علی کتاب الله... در ترازوی نقد علمای اهل سنت»، دوفصلنامه کتاب قیم، سال هفتم، ش ۱۷، صص ۲۰۲-۲۲۰.
۲۱. خرمشاهی، بهاء الدین، (۱۳۶۴ش)، تفسیر و تفاسیر جدید، تهران: سازمان انتشارات کیهان.
۲۲. رستم، سعد، (۲۰۰۵م)، الفرق والمذاهب الاسلامیه منذالبدایات؛ النشاء، التاريخ، العقیده، التوزیع الجغرافی سوریه: دمشق، الاوائل للنشر و التوزیع، الطبعة الثالثه.
۲۳. روشن ضمیر، محمدابراهیم، (۱۳۹۰ش)، جریان شناسی قرآن بسندگی، تهران: انتشارات سخن.

۲۴. زنگنه، پیمان؛ خسروی زارگز، مسلم، (۱۳۹۶ زمستان)، «واکاوی تاثیر ساخت قدرت سیاسی هندوستان بر اندیشه سید احمد خان هندی»، فصلنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال نهم، ش ۳۳، صص ۶۹-۹۰.

۲۵. طرایشی، جورج، (۲۰۰۸م)، المعجزه او سبات العقل فی الاسلام، بیروت: دارالساقی.

۲۶. طرایشی، جورج، (۲۰۱۰م)، من اسلام القرآن الی اسلام الحديث، بیروت: دارالساقی، الطبعة الاولى.

۲۷. ظفرالله رندها، دکتر خالد، (۱۳۸۶ش)، تالیفات حجیت سنت در شبه قاره، مترجم سید زوار حسین نقوی، مجله تخصصی الهیات و حقوق، پائیز.

۲۸. عائد مفلح الهذلی، عائشه، (۲۰۱۶م)، «شبهات المستشرقین حول السنه النبویه و الرد علیها»، مصر: جامعه القاهرة، کلیه دارالعلوم، مجله الدراسات الاسلامیه و البحوث الأكادیمیه، المجلد ۱۱، العدد ۷۲، صص ۳۸۹-۴۵۹.

۲۹. عزیز، احمد، (۱۳۶۷ش)، تاریخ تفکر اسلامی در هند، مترجم: لطفی، نقی؛ یاحقی، محمد جعفر، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

۳۰. عنایت، حمید، (۱۳۶۹ش)، شش گفتار درباره دین و جامعه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۳۱. فالح الصغیر، فالح بن محمد، (۱۴۳۳ق)، الاستشراق و موقفه من السنه النبویه، الرياض.

۳۲. کاژدان، آ، جمعی از مولفان، (۱۳۵۳ش)، تاریخ جهان باستان، جلد ۲، ترجمه: انصاری، صادق؛ مومنی، محمدباقر؛ همدانی، علی الله، تهران، نشر اندیشه.

۳۳. کاظم زاده، فیروز، (۱۳۷۱ش)، روس و انگلیس در ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران، انقلاب اسلامی.

۳۴. گلدزیهر، ایگناتس، (۱۴۰۵ق)، مذاهب تفسیر الاسلامی، مترجم: النجار عبدالحلیم، بیروت: دار اقرء.

۳۵. گیدنز، آنتونی؛ (۱۳۷۸ش)، جامعه شناسی، صبور، منوچهر، تهران: نشر نی، چاپ پنجم.

۳۶. محمدی نبی کندی، باب الله؛ دیاری بیدگلی، محمد تقی؛ مولایی نیا، عزت الله، (۱۳۹۹ بهار و تابستان)، «تحلیل انتقادی مبانی قرآن بسندگی در شبه قاره هند»، دوفصلنامه علمی - پژوهشی علوم حدیث تطبیقی، سال هفتم، شماره ۱۲، صص ۲۱۴-۱۹۳.
۳۷. مجدفر، فاطمه؛ (۱۳۸۲ش)، جامعه‌شناسی عمومی، تهران: نشر شعاع، چاپ اول.
۳۸. مدرسی چهاردهی، مرتضی، (۱۳۸۱ش)، سید جمال الدین و اندیشه‌های او، تهران: امیر کبیر.
۳۹. مسجدی، فاطمه، (۱۳۹۷ش)، تحلیل محتوایی کتاب من اسلام القرآن الی اسلام الحدیث، مهریزی، مهدی؛ حجتی، محمدباقر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
۴۰. مشیر، حسن، (۱۳۶۷ش)، جنبش اسلامی و گرایش‌های قومی در مستعمره هند مترجم: لاهوتی، حسن، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۴۱. مقبول احمد، صلاح الدین، (۱۴۱۱ق/۱۹۹۱م)، زوابع فی وجه النسبه؛ قدیما و حدیثا، هند: مجمع البحوث العلمیه الإسلامیه، مجمع البحوث العلمیه الاسلامیه، الطبعة الاولی.
۴۲. مومنی، صمد، (۱۴۰۱ش)، «نقد مبانی قرآنیون اهل سنت معاصر درباره نفی معجزات النبی»، دوفصلنامه مطالعات اندیشه معاصر مسلمین، دوره ۸، ش ۱۵، بهار و تابستان ۱۴۰۱ش.
۴۳. نقوی، سید محمد علی، (۱۳۹۳ش/۲۰۱۴م)، تفسیر و مفسران در هند، هند: دهلی نو، رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول.
۴۴. ولایتی، علی اکبر، (۱۳۹۰ش)، فرهنگ و تمدن اسلامی، قم، نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه‌ها، چ ۳۰.
۴۵. ولفگانگ، ج. مومسن؛ (۱۳۷۶ش) نظریه‌های امپریالیسم، ترجمه احمد ساعی، تهران، قومس.
۴۶. هزاوه‌ای، سید مرتضی؛ باوریان، فریده، (۱۳۹۷ش)، «بازشناسی مهمترین اصول فکری - ایدئولوژیکی، بسترهای سیاسی - اجتماعی پیدایش جریان روشنفکری دینی در تاریخ معاصر ایران»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال هشتم، شماره سوم.
۴۷. هندی، سیداحمدخان، (۱۳۳۲ش)، القرآن وهوالهدی والفرقان، مترجم: محمدتقی فخرداعی گیلانی، تهران، انتشارات علمی.